



IN SAFE

Case No. 10853 Date of filing: 17-Dec-86

109

** AWARD - Type of Award Final
- Date of Award 17-12-86
_____ pages in English 39 pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

109

دیوان داورى دء

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

AWARD

Case Nos. 10853/10854/10855/10856

Chamber One

پرونده‌های شماره ۱۰۸۵۳/۱۰۸۵۴/۱۰۸۵۵/۱۰۸۵۶

شعبه یک

حکم شماره ۱/۰۸۵۶/۰۸۵۵/۰۸۵۴/۰۸۵۳-۲۸۲

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داورى دء ایران-ایالات متحده
ثبت شد - FILED	
Date	17 DEC 1986
	تاریخ
	۱۳۶۵ / ۹ / ۲۶
No.	شماره

DUPLICATE
ORIGINAL
نسخه برابر اصل

یان ال. مک هارگ (پرونده شماره ۱۰۸۵۳)،

ویلیام اچ. رابرتس (پرونده شماره ۱۰۸۵۴)،

دیوید ا. والاس (پرونده شماره ۱۰۸۵۵)،

تامس ا. تاد (پرونده شماره ۱۰۸۵۶)،

دعاوی کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار

مطروح توسط ایالات متحده امریکا،

خواهانها،

- و -

جمهوری اسلامی ایران،

خوانده .

حکم

حاضران:

از جانب خواهانها:

آقای جی. آر. کروک،
نماینده رابط ایالات متحده امریکا
آقای مایک رابوین،
خانم لورتا پلک،
دستیاران نماینده رابط
آقای ویلیام اچ. رابرتس،
خواهان پرونده شماره ۱۰۸۵۴،

از جانب خوانده:

آقای محمد کریم اشراق،
نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران
آقای خلیل خلیلیان،
مشاور حقوقی نماینده رابط
آقای مهدی جهانبین،
خانم شیرین ابوالقاسمی،
نمایندگان سازمان محیط زیست
آقای منصورشاهی،
وکیل سازمان محیط زیست.

اول - سوابق امر

۱ - در ۱۹ ژانویه ۱۹۸۲ (۲۹ دی ماه ۱۳۶۰) ایالات متحده دادخواستهایی حاوی ادعاهای کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار یان ال. مک هارگ (پرونده شماره ۱۰۸۵۳)، ویلیام ا.ج. رابرتس (پرونده شماره ۱۰۸۵۴)، دیوید ا.والاس (پرونده شماره ۱۰۸۵۵)، و تامس ا. تاد (پرونده شماره ۱۰۸۵۶)، علیه جمهوری اسلامی ایران ("ایران") و به ویژه علیه سازمان محیط زیست ("محیط زیست") و بانک تجارت، به ثبت رساند.

۲ - در ۲۲ دسامبر ۱۹۸۲ (اول دی ماه ۱۳۶۱) خواهانها درخواست مشترکی جهت صدور قرار موقت به ثبت رساندند. خواهانها با اشاره به دعوی مطروحه محیط زیست در دادگاه عمومی تهران علیه نامبردگان و نیز به مشابه بودن موضوعات حقوقی و حقیقی آن دعوی با موضوعات پرونده های حاضر، از دیوان درخواست نمودند که مقرر دارد ایران دعوی را رد نموده و یا آنرا به حالت تعلیق در آورد.

۳ - در ۱۶ مارس ۱۹۸۳ (۲۵ اسفند ماه ۱۳۶۱) خواننده به دیوان اطلاع داد که در تاریخ دوم اکتبر ۱۹۸۲ (۱۰ مهر ماه ۱۳۶۱) دادگاه عمومی تهران رایی درباره دعوی یاد شده صادر کرده است. در ۱۶ مه ۱۹۸۳ (۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲)، ایران به درخواست دیوان داوری، نسخه‌ای از حکم غیابی صادره توسط دادگاه عمومی تهران علیه خواهانها را به ثبت رساند. به دنبال آن، دیوان درخواست صدور قرار موقت ایالات متحده را به علت منتفی شدن موضوع، رد کرد. مک هارگ و سایرین و جمهوری اسلامی ایران، تصمیم شماره ۱-۱۰۸۵۶/۱۰۸۵۵/۱۰۸۵۴/۱۰۸۵۳-۲۷ (۱۴ ژوئن ۱۹۸۳/۲۴ خرداد ماه ۱۳۶۲).

۴ - از ۱۱ تا ۳۱ اکتبر ۱۹۸۴ (۱۹ مهر ماه تا نهم آبان ماه ۱۳۶۳) ایران، محیط

زیست و بانک تجارت لوایح دفاعیه جداگانه‌ای راجع به هر یک از پرونده ها به ثبت رساندند. دفاعیه محیط زیست شامل ادعای متقابل نیز بود.

۵ - خواهانها پس از ثبت متن انگلیسی مدارک مستند و لایحه توجیهی (دادخواست تکمیلی و جوابیه لایحه دفاعیه ایران) خود در موعد مقرر یعنی در دوم دسامبر ۱۹۸۵ (۱۱ آذر ماه ۱۳۶۴)، در سوم دسامبر ۱۹۸۵ (۱۲ آذر ماه ۱۳۶۴) برای ثبت متن فارسی لایحه خود ۱۰ روز مهلت خواستند. در مورد این درخواست رسماً هیچ اقدامی به عمل نیامد. در ۱۲ دسامبر ۱۹۸۵ (۲۱ آذر ماه ۱۳۶۴) خواهانها متن فارسی این لایحه را به ثبت رساندند.

۶ - در نهم ژانویه ۱۹۸۶ (۱۹ دی ماه ۱۳۶۴) دیوان ضمن صدور دستوری به طرفین اطلاع داد که راجع به قابل پذیرش بودن لوایح یاد شده، پس از برگزاری جلسه استماع در ۱۵ آوریل ۱۹۸۶ (۲۶ فروردین ماه ۱۳۶۵) تصمیم گرفته خواهد شد. دیوان، طی همان دستور مهلت خوانده را جهت ثبت مدارک مستند و لایحه توجیهی خود به مدت ۱۰ روز، یعنی تا دهم مارس ۱۹۸۶ (۱۹ اسفند ماه ۱۳۶۴) تمدید کرد.

۷ - در ۲۲ ژانویه ۱۹۸۶ (دوم بهمن ماه ۱۳۶۴)، خوانده از دیوان درخواست کرد که تاریخ استماع را لغو و جلسه‌ای جهت استماع مقدماتی پرونده برگزار نماید. دیوان ضمن دستور مورخ ۲۹ ژانویه ۱۹۸۶ (نهم بهمن ماه ۱۳۶۴) درخواست را رد نموده و تایید کرد که استماع برنامه در ۱۵ آوریل ۱۹۸۶ (۲۶ فروردین ماه ۱۳۶۵) برگزار خواهد شد.

۸ - در دهم مارس ۱۹۸۶ (۱۹ اسفند ماه ۱۳۶۴) بانک تجارت و ایران پاسخهای جداگانه‌ای به مدارک مستند و لایحه توجیهی خواهانها به ثبت رساندند. در همان تاریخ،

ایران یک لایحه توجیهی راجع به ادعاهای مالیاتی تسلیمی توسط محیط زیست و لایحه‌ای در تایید صلاحیت دیوان نسبت به ادعاهای ناشی از عدم پرداخت حق بیمه‌های اجتماعی ثبت نمود. در ۱۳ مارس ۱۹۸۶ (۲۲ اسفند ماه ۱۳۶۴)، ایران یک لایحه توجیهی کلی در تایید دعاوی مبتنی بر مالیاتهای پرداخت نشده تسلیم نمود.

۹ - در هفتم آوریل ۱۹۸۶ (۱۸ فروردین ماه ۱۳۶۵)، خواهانها به دیوان اطلاع دادند که مطالب زیادی درباره پیشینه پرونده ها در اختیار دفتر دیوان قرار داده‌اند. خواهانها اظهار داشتند که آن مطالب را به عنوان مدرک تسلیم نکرده‌اند، بلکه آنها را "جهت بازبینی داوران و طرفین قبل از تشکیل جلسه استماع و حین جلسه، در اختیار دیوان قرار داده‌اند"، و پس از استماع اسناد مزبور را پس خواهند گرفت مگر آنکه دیوان دستور دیگری بدهد. در همان تاریخ، خواهانها نسخ نشانه‌گذاری شده مدارک مستند خویش و لایحه‌ای تحت عنوان "اطلاعیه در مورد هزینه‌ها"، تسلیم نمودند.

۱۰ - در ۱۱ آوریل ۱۹۸۶ (۲۲ فروردین ماه ۱۳۶۵) نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران به تودیع "مطالب مربوط به پیشینه پرونده‌ها" در دفتر دیوان اعتراض کرد.

۱۱ - در ۱۵ آوریل ۱۹۸۶ (۲۶ فروردین ماه ۱۳۶۵) استماع مشترکی در مورد چهار پرونده برگزار شد.

۱۲ - در جلسه استماع، خواننده می خواست به چهار فقره نامه که سه تای آنها را مقامات ایرانی به دبلیو ام آر تی / ایران و یکی از آنها را دبلیو ام آر تی / ایران به محیط زیست نوشته بود، استناد کند. رئیس شعبه اظهار داشت که راجع به قابل پذیرش بودن آنها پس از استماع پرونده تصمیم گرفته خواهد شد.

دوم - واقعیات و اظهارات طرفین

الف - ایرادات شکلی و عمومی خوانده

۱۳ - هم ایران و هم بانک تجارت، می خواهند که دیوان اتخاذ تصمیم در مورد موضوعات صلاحیتی پرونده های حاضر را به بعد از صدور رای دیوان عمومی در پرونده شماره الف - ۲۲ موکول نماید. در آن پرونده ایران درخواست کرده که دیوان الزامات بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی در مورد ادعاهای غیرمستقیم را تفسیر نماید.

۱۴ - علاوه بر این، ایران تقاضا کرده است که مدارک مستند و لایحه توجیهی خواهانها به دلیل تاخیر در ثبت حذف شود. ایران در تایید این درخواست به تصمیم دیوان در پرونده کامپیوتر ساینسز کوریوریشن و جمهوری اسلامی ایران، صفحات ۴ تا ۶ (متن انگلیسی) حکم شماره ۱-۶۵-۲۲۱ مورخ ۱۶ آوریل ۱۹۸۶ (۲۷ فروردین ماه ۱۳۶۵) اشاره می کند که طبق آن تصمیم، در پرونده مزبور از پذیرش لوایح بعد از استماع به علت ثبت بعد از موعد خودداری شد. خوانده، همچنین از دیوان می خواهد که "مطالب مربوط به پیشینه" این پرونده ها که به دفتر دیوان داده شده، از سوابق حذف شود. خوانده استدلال می کند که حتی به فرض اینکه این مطالب از نظر فنی مدرک محسوب نشوند، صرف ثبت آنها به طور حتم بر نحوه تصمیم گیری دیوان اثر خواهد گذاشت.

۱۵ - بالاخره، خوانده با این استدلال که چون این ادعاها توسط ایالات متحده اقامه شده، حکم به پرداخت هزینه در پرونده های حاضر مناسبت نداشته و لذا تقاضا می کند که دیوان درخواست برای پرداخت هزینه ها را مردود شناسد.

ب - صلاحیت

۱۶ - خواهانها مک هارگ و رابرتس اظهار می دارند که دارای تابعیت اکتسابی ایالات متحده هستند و رونوشت گواهی نامه های کسب تابعیت خویش را به عنوان مدرک تسلیم نموده‌اند. خواهانها، والاس و تاد می گویند که به سبب تولد در ایالات متحده، تبعه آن کشورند و به عنوان دلیل رونوشت گذرنامه های امریکایی خود را تسلیم کرده‌اند.

۱۷ - ایران استدلال می کند که هیچ یک از خواهانها به قدر کافی تابعیت امریکایی خویش را ثابت نکرده است. و اضافه می نماید که آقایان مک هارگ و رابرتس که قبلاً تابعیت انگلیسی داشته‌اند، نه ثابت کرده‌اند که تابعیت قبلی خود را ترک کرده و نه اینکه اگر دارای تابعیت مضاعف هستند "تابعیت غالب و موثر ایشان برحسب کلیه عوامل ذیربط، از جمله اقامتگاه عادی، مرکز علایق، پیوندهای خانوادگی، شرکت در حیات اجتماعی و سایر مدارک و شواهد وابستگی، از تاریخ به وجود آمدن ادعا تا ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) تابعیت امریکایی ایشان بوده است."

۱۸ - خواهانها مبانی صلاحیتی دیگری که با تئوریهای متفاوت مسئولیت منطبق است، پیشنهاد می‌کنند. اولاً، مدعیند که ادعاها ادعای مستقیمی است که بابت سلب مالکیت از سهام هر یک از آنان در یک شرکت ایرانی موسوم به والاس، مک هارگ، رابرتس و تاد ایران اینکورپوریتد ("دبلیو ام آر تی/ایران") علیه دولت ایران اقامه شده است. خواهانها ادعاهای خود را به شق دیگری هم مطرح ساخته و می گویند که ادعاها ادعای غیرمستقیمی است که بابت حقوق قراردادی دبلیو ام آر تی/ایران اقامه شده است. خواهانها اظهار می دارند که هر یک از آنان مالک ۲۵ درصد سهام شرکت بوده و لذا طبق الزام بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی "علاق مالکانه اتباع [امریکائی]، مجتمعاً" جهت کنترل شرکت در هنگام بوجود آمدن ادعا کافی بوده است"، و در ادامه

استدلال خود می گویند که ثبت جداگانه ادعای هر سهامدار به هیچ وجه تاثیری بر موضوع مالکیت دستجمعی ندارد.

۱۹ - علاوه براین، خواهانها اظهار می نمایند که ادعاها در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) پابرجا بوده و از تاریخ به وجود آمدن تا ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) به طور مستمر در اختیار خواهانهای ذیربط بوده است.

۲۰ - ایران اظهار می دارد که خواهانها آنچنانکه در بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعوی مقرر گردیده، دلیو ام آر تی / ایران را کنترل نمی کنند و لذا اهلیت طرح ادعا را ندارند. ایران همچنین می گوید که شرکای دلیو ام آر تی / ایران محدود به چهار نفر نامبرده در دادخواست نبوده‌اند. ایران استدلال می کند که، همانطور که آگهی تاسیس و یک فقره وکالت نامه حاکی است یک نفر تبعه هند به نام نارندرا جونيجا هم سهامی برابر با سهام چهار شریک دیگر در شرکت داشته است.

۲۱ - ایران، همچنین اظهار می دارد که خواهانها نمی توانند جانشین یک شرکت ایرانی شده و ادعاهای مربوط به آن شرکت را در این دیوان مطرح سازند.

۲۲ - علاوه براین، ایران اظهار می دارد که طبق مواد ۲۳ و ۲۹ قرارداد هر اختلافی فیما بین طرفین باید توسط دادگاههای صالحه ایران حل و فصل شود. بنابراین به گفته ایران، ادعاهای حاضر مشمول قید استثنای بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعوی، و لذا از صلاحیت دیوان خارج است.

۲۳ - محیط زیست اظهار می دارد که خواهانها جدا و مستقل از شرکت صلاحیت طرح ادعاها را ندارند و علاوه بر آن محیط زیست معتقد است که مواد ۲۳ و ۲۹ قرارداد به

وی حق می دهد که اگر در اثر اجرای قرارداد متحمل خسارت شود، جهت جبران آن به دادگاههای صالحه ایران رجوع نماید، و وی این حق را اعمال نموده و به دادگاه عمومی تهران مراجعه کرده و دادگاه مزبور نیز حکمی در آن باره صادر کرده است، و در نتیجه دیوان صلاحیت رسیدگی به ادعاهای خواهانها را ندارد.

۲۴ - بانک تجارت به ویژه در خصوص ادعاهای مربوط به مانده حساب بانکی دبلیو ام آر تی/ایران به صلاحیت دیوان ایراد می گیرد، و استدلال می کند که خواهانها پیش از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) وجوه را مطالبه نکرده بودند و بنابراین ادعاها طبق الزام بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی در آن تاریخ پابرجا نبوده است.

ج - ادعا

سلب مالکیت و قرارداد

۲۵ - خواهانها شقوق مختلف تئوریهای مسئولیت را به میان می آورند. اولاً، آنها اظهار می دارند که دولت ایران سهام آنها را در دبلیو ام آر تی/ایران مصادره کرده است. بنا به گفته خواهانها، دبلیو ام آر تی/ایران در ۱۷ نوامبر ۱۹۷۷ (۲۶ آبان ماه ۱۳۵۶) به درخواست دولت ایران برای اجرای قرارداد واحدی جهت انجام مطالعات و خدمات طراحی و نظارت بر ساختمان یک پارک طبیعی تشکیل گردید. خواهانها اظهار می دارند که چون تنها دارایی دبلیو ام آر تی/ایران حقوقی بوده که طبق آن قرارداد داشته، لذا نقض قرارداد توسط محیط زیست، دبلیو ام آر تی/ایران را از تنها منبع درآمدش محروم نمود و سهام آن را بی ارزش ساخت. از این رو، بنا بر استدلال آنان نقض قرارداد در حکم مصادره سهام بوده است. خواهانها ارزش سهام را صرفاً با مبالغی تقویم می نمایند که طبق قرارداد قابل پرداخت بوده است. خواهانها به شق

دیگری هم که مبتنی بر نظریه قرارداد است بابت نقض ادعایی قرارداد خسارت مطالبه می‌کنند. بدینسان، خواهانها هر دو نظریه را بر مبنای واقعیات ادعایی واحدی مستقر ساخته و اظهار می‌دارند که خواسته مورد ادعا به موجب هر یک از دو نظریه یکسان است.

۲۶ - والاس، مک هارگ، رابرتس و تاد ("دبلیو ام آر تی")، یک شرکت مدنی پنیسلوانیایی مرکب از معماران، مهندسان محوطه ساز، و شهرساز که قبلاً بررسی امکاناتی به عمل آورده و با همکاری یک شرکت معماری ایرانی در یک شرکت مختلط یک طرح کلی تهیه کرده بود، در ۱۲ نوامبر ۱۹۷۷ (۲۱ آبان ماه ۱۳۵۶) قراردادی ("قرارداد") با سازمان محیط زیست دولت ایران ("محیط زیست") برای انجام خدمات محوطه‌سازی یک پارک طبیعی در حومه تهران منعقد ساخت. قرار بود در این پارک که "پردیسان" نام می‌گرفت تسهیلاتی برای حفظ محیط زیست، آموزش و تحقیق محیط زیست طبیعی احداث شود. ایجاد یک باغ وحش، موزه‌های تاریخ طبیعی و علوم طبیعی، مرکز ستاره‌شناسی و ماکت‌های مناطق عمده محیط زیست، از صحرای گرفته تا جنگلهای باران خیز، جزو تسهیلات مورد نظر بود. آقای فیلی از جانب محیط زیست و از طرف شرکت ایرانی دبلیو ام آر تی / ایران، نارندا جونيجا مدیر عامل دبلیو ام آر تی که به منظور اجرای پروژه تشکیل شده بود، قرارداد را امضاء کردند.

۲۷ - طبق قرارداد می‌بایستی کلاً مبلغ ۹۴،۰۲۰،۲۰۲ ریال بابت تهیه برنامه و انجام خدمات محوطه سازی به دبلیو ام آر تی / ایران پرداخت شود. بیست درصد قیمت قرارداد هنگام امضای قرارداد در قبال ضمانت نامه بانکی به همان مبلغ، بصورت پیش پرداخت ادا شد. مانده طی پنج قسط، متعاقب تسلیم مواد هم آهنگ با برنامه زمانی کار طبق پیوست ۸ قرارداد و پس از تایید و تصویب تحقیقات و سایر کارهای انجام شده، قابل پرداخت بود. به ترتیبی که در قرارداد مقرر شده بود جونز اند جونز از شهر

سیاتل، واشنگتن به عنوان مشاور جانور شناسی و دکتر کریم جوانشیر، از تهران، به عنوان مشاور گیاه شناسی به عنوان دو مشاور پیمانی اصلی استخدام شدند.

۲۸ - خواهانها تصدیق می نمایند که ۱۰ درصد حق الزحمه قابل پرداخت به موازات پیشرفت کار پس از ماه چهارم قرارداد با تحویل کار مربوط پرداخت گردید. خواهانها اظهار می دارند که دبلیو ام آر تی/ایران در اوایل ژوئیه ۱۹۷۸ کارهایی را که می بایست تا ماه هشتم قرارداد انجام شود، تکمیل نموده و به محیط زیست تحویل داد و درخواست نمود که ۲۰ درصد مقرر در قرارداد بابت پیشرفت کار پرداخت شود. خواهانها مدعی اند که محیط زیست نه قسط مزبور را پرداخت نمود و نه نسبت به پرداخت صورتحسابهایی که بابت کار انجام شده توسط جونز اند جونز و دکتر کریم جوانشیر، مشاوران شرکت، تسلیم شده بود، اقدامی به عمل آورد. خواهانها اظهار می دارند که علی رغم این جریان، دبلیو ام آر تی/ایران کار مرحله بعدی طرح را آغاز کرد.

۲۹ - خواهانها ادعا می نمایند که مقارن این زمان با شدت گرفتن انقلاب اسلامی اوضاع ایران دگرگون شد و بقای پروژه به شدت مورد تردید قرار گرفت. بالنتیجه، مدیر پروژه، آقای صداقت فر، به جونجا توصیه کرد که دبلیو ام آر تی/ایران باید کارهای در دست انجام را تکمیل نماید، لیکن تا روشن شدن اوضاع کار جدیدی را آغاز نکند. بنابه اظهار خواهانها، دبلیو ام آر تی /ایران، در عین حال به اقدامات خود جهت وصول وجه صورتحساب ماه هشتم ادامه داد. در اوایل اکتبر ۱۹۷۸، صداقت فر، گزارشی به سازمان برنامه و بودجه تسلیم و طی آن پرداخت تمامی صورتحساب و همچنین حق الزحمه کار انجام شده پس از دوره صورتحساب را توصیه کرد، لیکن باز، چیزی پرداخت نشد. بعلاوه دبلیو آر تی/ایران هنوز وجه صورتحساب دوم تسلیمی جونز اند جونز را دریافت نکرده بود، زیرا گرچه ظاهراً " صورتحساب تصویب شده بود، ولی وجهی جهت پرداخت موجود نبود. در طول این مدت، دبلیو ام آر تی/ایران به تحویل کار ادامه می دهد،

چه قرارداد هنوز معتبر بود، لیکن شرکت مزبور با آگاهی از اینکه محیط زیست در حال بررسی مساله ادامه دادن یا متوقف ساختن طرح است، مرتباً در مورد ادامه دادن یا متوقف ساختن کار راهنمایی می خواست.

۳۰ - خواهانها مدعی اند که در تاریخ ۳۱ اکتبر ۱۹۷۸ (نهم آبان ماه ۱۳۵۷)، یعنی چند روز پس از تسلیم گزارش پیشرفت کار و صورتحساب حاوی شرح جزئیات کاری که دبلیو ام آر تی/ایران بعد از ژوئیه ۱۹۷۸ انجام داده، به محیط زیست، آقای جونجا با فیلی و صداقت فر ملاقات کرد. به گفته خواهانها، هیچیک از مقامات مذکور درباره لغو پروژه سخنی نگفت، لیکن صداقت فر، برخلاف اطمینانهای قبلی، اظهار داشت که محیط زیست توصیه می کند که فقط ۸۰ درصد صورتحساب ماه هشتم دبلیو ام آر تی/ایران پرداخت شود، چه دبلیو ام آر تی/ایران نقشه های تسلیمی برای طرح را از مقیاس ۱:۲۰۰۰ به مقیاس ۱:۵۰۰ بزرگ نکرده است. مقامات مذکور خاطر نشان ساختند که پرداخت پول منوط به اجازه سازمان برنامه و بودجه و تعیین تکلیف آتی پروژه است.

۳۱ - خواهانها ادعا می کنند که افزایش خشونت در تهران همراه با اغتشاشات و تظاهرات، عملاً امکان کار کردن را از آنها سلب نمود. آنان می گویند که مقارن این زمان صداقت فر به جونجا اطلاع داد که سازمان برنامه به طور غیررسمی به محیط زیست اطلاع داده است که پروژه پردیسان ادامه نخواهد یافت. در ۵ نوامبر ۱۹۷۸ (۱۴ آبان ماه ۱۳۵۷)، صداقت فر به جونجا سفارش کرد که دبلیو ام آر تی/ایران باید کار را متوقف سازد. طبق اظهار خواهانها، در این هنگام، دبلیو ام آر تی/ایران ۶۰ درصد کلیه خدمات مقرر در قرارداد را انجام داده بود. صداقت فر به طور خصوصی و غیررسمی نیز به جونجا توصیه کرد که ایران را ترک کند. خواهانها مدعی اند که نداشتن قدرت انجام کار در محیط امن یا استفاده از موجودی حساب شرکت در بانک ایرانی، همراه با خطر جانی موجب شد که جونجا در ۱۱ نوامبر ۱۹۷۸ (۲۰ آبان ماه ۱۳۵۷)

ایران را ترک کند.

۳۲ - خواهانها اظهار می دارند که علی رغم مساعدت آقای صداقت فر، مدیر پردیسان و آقای فیلی مدیر محیط زیست، تلاشهای دبلیو ام آر تی/ایران جهت وصول وجه صورتحساب ماه هشتم به نتیجه نرسید. دبلیو ام آر تی / ایران در تلاش خود برای کسب نظر رسمی محیط زیست درمورد وضعیت پروژه و قرارداد نیز توفیقی نیافت. سرانجام، در تاریخ ۱۰ آوریل ۱۹۷۹ (۲۱ فروردین ماه ۱۳۵۸) وکلای دبلیو ام آر تی / ایران که نسبت به پرداخت وجه و ادامه پروژه اطمینانی نداشتند از جانب دبلیو ام آر تی / ایران نامه‌ای به محیط زیست تسلیم و طی آن تقاضا کردند که طبق بند ب ماده ۱۷ قرارداد که ناظر بر فسخ قرارداد توسط محیط زیست است، رسماً قرارداد را فسخ کند، زیرا نه دولت ایران و نه محیط زیست قادر به ایفای تعهدات قراردادی خویش بودند و نه اوضاع ایران اجازه می داد که دبلیو ام آر تی/ایران کلیه شرایط قراردادی خود را ایفا نماید.

۳۳ - محیط زیست در پاسخ به این نامه متذکر شد که سازمان قرارداد را نقض نکرده و قرارداد به قوت خود باقی است و دبلیو ام آر تی/ایران مکلف است ظرف ۴۵ روز "تواقص" کار را رفع نماید، و الا محیط زیست به استناد بند ۱ (الف) ماده ۱۷ قرارداد آن را به دلیل قصور معمار محوطه ساز فسخ خواهد کرد. خواهانها می گویند که دبلیو ام آر تی/ایران، ابتدا جهت پاسخگویی به ادعاهای محیط زیست درخواست کرد مهلت مزبور تمدید شود. بعداً، مقامات جدید مسئول طرح پردیسان در محیط زیست با وکلای ایرانی دبلیو ام آر تی/ایران ملاقات نموده و ضمن تکرار تقاضای رفع "تواقص" کار، تایید کردند که تا پس از مارس ۱۹۸۰ چیزی به دبلیو ام آر تی/ایران پرداخت نخواهد شد.

۳۴ - خواهانها مدعی اند که در اثر واقعه سفارت ایالات متحده در تهران و بازداشت

اتباع امریکایی در آنجا، رفع نواقص کار تحویلی دبلیو ام آر تی/ایران مقدور نشد. در اواخر دسامبر ۱۹۷۹، محیط زیست رسماً قرارداد را فسخ کرد، و وکلای دبلیو ام آر تی/ایران طبق ماده ۲۲ قرارداد صورتحسابی بابت فسخ رسمی تسلیم داشتند، و مبالغی را که ادعا می کردند دبلیو ام آر تی/ایران طبق قرارداد طلبکار است، ذکر کردند. از آنجا که محیط زیست طبق ماده ۲۲ قرارداد موظف بود صورتحساب را ظرف ۳۰ روز از تاریخ دریافت بررسی و پرداخت نماید، خواهانها استدلال می کنند که محیط زیست به دلیل عدم پرداخت صورتحساب، از تاریخ ۲۶ ژانویه ۱۹۸۰ (۶ بهمن ماه ۱۳۵۸) متخلف شناخته می شود.

۳۵ - محیط زیست اظهار می دارد که دبلیو ام آر تی/ایران تعهدات قراردادی خویش را اجرا نکرده، و دو مورد مشخص را ذکر می کند. محیط زیست می گوید که اولاً، دبلیو ام آر تی/ایران طبق بند ۳ ماده ۴ متعهد بود "مراحل مختلف پروژه و اسناد و مدارک مناقصه و کلیه گزارشات و مکاتبات خود را به زبان فارسی تهیه نماید"، لیکن نامبرده کلیه گزارشها را به انگلیسی تسلیم داشته است. ثانیاً، شرکت متعهد بود که نقشه های کلی محوطه را از مقیاس ۱:۲۰۰۰ به مقیاس ۱:۵۰۰ بزرگ نماید و به تعهدات خویش در این زمینه عمل نکرده است. محیط زیست اظهار می نماید که دبلیو ام آر تی/ایران طی نامه ای به اطلاع سازمان رساند که شرایط فورس ماژور وی را از ایفای تعهدات قراردادی اش باز داشته است. محیط زیست، همچنین اظهار می دارد که دبلیو ام آر تی/ایران طی نامه مورخ ۲۹ اوت ۱۹۷۹ (هفتم شهریور ماه ۱۳۵۸) وکیل خود، اذعان نمود که پاره ای از تعهدات مقرر در قرارداد را اجرا نکرده، و برای رفع نواقص سه ماه مهلت خواست و سازمان با این درخواست موافقت کرد. محیط زیست استدلال می کند که علی رغم این توافق، دبلیو ام آر تی/ایران هیچ اقدامی جهت رفع نواقص به عمل نیاورد و چاره ای جز فسخ قرارداد طبق بند الف ماده ۱۷ برای محیط زیست باقی نگذاشت. محیط زیست می گوید که عدم رفع نواقص، کاری را که قبلاً انجام

شده بود بی ارزش ساخت و سبب شکست کامل پروژه گردید.

۳۶ - خواهانها اظهار می‌دارند که در تمام مدت اجرای پروژه، دبلیو ام آر تی/ایران کلیه گزارشها، نقشه‌ها، اسناد و مراسلات را منحصرًا به زبان انگلیسی به محیط زیست تسلیم می‌کرد. این رویه طبق درخواست مقامات محیط زیست اتخاذ شد زیرا آنان به این نتیجه رسیده بودند که کیفیت کاملاً فنی مواد و مطالب تسلیمی، تهیه آنها را به انگلیسی عملی تر می‌نمود. بعلاوه، مقامات محیط زیست که دبلیو ام آر تی/ایران به طور روزمره با آنها سروکار داشت، همگی تحصیلکرده غرب و به زبان انگلیسی مسلط بودند. در مواردی که صداقت فر مدیر پردیسان می‌خواست مطلب خاصی به فارسی ترجمه شود، دبلیو ام آر تی/ایران به فوریت آنرا اجابت می‌نمود. خواهانها اظهار می‌دارند که تنها مورد استثناء در استفاده مطلق از زبان انگلیسی در پروژه پردیسان، در ارتباط با تهیه متن گزارش "تمها و رشته داستانش" (Themes and Storylines) بوده است. ایشان می‌گویند که در اوت ۱۹۷۸ فقط این گزارش می‌بایست به فارسی ترجمه شود و در هنگام عزیمت جونجا در نوامبر ۱۹۷۸، ۱۹۴ صفحه از ۴۵۴ صفحه گزارش مزبور ترجمه و به محیط زیست تسلیم شده بود. در جلسه استماع، نماینده دبلیو ام آر تی/ایران ارزش این کار ناتمام را ۵،۰۰۰ دلار برآورد کرد. بعلاوه، خواهانها اظهار می‌دارند که عامل تاخیر در تکمیل ترجمه فارسی و تایپ گزارش "تمها و رشته داستانش" تا حدی فیزی مدیر محیط زیست و صداقت فر مدیر پردیسان بودند که ابتدا مترجمین پروژه را انتخاب کردند ولی بعداً کارشان را رضایت بخش نیافتند. خواهانها اظهار می‌دارند که دبلیو ام آر تی/ایران کوشید در یافتن مترجمین جدید به محیط زیست کمک کند، لیکن به علت کیفیت بسیار فنی متن "تمها و رشته داستانش" پیدا کردن مترجمین مناسب در تهران مشکل بود.

۳۷ - در مورد بزرگ کردن نقشه کلی محوطه، خواهانها می‌گویند که گرچه نقشه‌های پیرامون و محوطه پارکینگ به مقیاس ۱:۵۰۰ تهیه شد، لیکن دلیل بزرگ نکردن بقیه

نقشه‌ها از مقیاس ۱:۲۰۰۰ به ۱:۵۰۰، این بود که محیط زیست با آنکه موظف به انجام نقشه‌برداریهای تفصیلی برای استفاده در تهیه چنین نقشه‌ای بود معیضاً علی‌رغم درخواستهای دبلیو ام آر تی/ایران، در انجام آن تاخیر کرد. طبق اظهار خواهانها، بزرگ کردن نقشه‌های کلی به مقیاس ۱:۵۰۰، بدون داشتن اطلاعات نقشه برداری لازم منجر به تهیه نقشه غیرقابل استفاده و به هدر رفتن پول محیط زیست می‌شد. علاوه براین، صداقت فر قبلاً" اظهار کرده بود که تا تکمیل نقشه‌برداریها، به بزرگ کردن نقشه‌های کلی محوطه از مقیاس ۱:۲۰۰۰ به ۱:۵۰۰ نیازی نخواهد بود. فقط در جلسه ملاقات ۳۱ اکتبر ۱۹۷۸ (نهم آبان ماه ۱۳۵۷) با فیلی و جونجا بود که صداقت فر از دبلیو ام آر تی/ایران خواست که نقشه‌ها را بزرگ کند.

حساب بانکی

۳۸ - هر یک از خواهانها مبلغ ۱،۱۲۰/۲۸ دلار نیز بابت سهم خود از مانده حساب بانکی دبلیو ام آر تی/ایران در بانک تجارت مطالبه می‌کند که بنا به اظهار خواهانها منفرداً" و مجتمعا" از دسترسی به آن محروم شده اند. فرض خواهانها براین است که "مقررات جاری" که بانک تجارت ظاهراً" به موجب آن خواهانها را از دسترسی به حساب محروم کرده، مقررات ارزی سال ۷۹-۱۹۷۸ بانک مرکزی می‌باشد. به گفته خواهانها، این مقررات مخالف عهدنامه مودت بین ایران و ایالات متحده، اساسنامه صندوق بین المللی پول و حقوق عرفی بین الملل است.

۳۹ - بانک تجارت در مورد ادعاهای مربوط به مانده حساب بانکی دبلیو ام آر تی/ایران اظهار می‌دارد که مانده حساب جاری شماره ۲-۴۹۱۳۹ به نام والاس - مک هارگ - رابرتس اند تاد ایران اینکورپوریتد ۳۱۷،۰۴۱ ریال است، و این حساب که یک حساب ریالی است از سال ۱۹۷۹ غیرفعال بوده است. صاحبان امضای حساب می‌توانند هر

مبلغی در هر زمانی به ریال از آن برداشت کنند و حساب همیشه در اختیار صاحب حساب بوده و هست. بانک مزبور می‌گوید موجودی حساب بانکی مشتری همواره به ریال در اختیار مشتری است و بانک نه متعهد به تبدیل آن به دلار است و نه این کار وظیفه او است.

د - ادعای متقابل

۴۰ - محیط زیست ادعای متقابلی را مطرح ساخته است. نامبرده مدعی است که قرارداد به علت قصور دبلیو ام آر تی/ایران در اجرای تعهدات قراردادی اش فسخ شد، و در نتیجه آن خسارات معتناهی به محیط زیست وارد گردید. از آنجا که هر یک از خواهانها مدعی است که صاحب ۲۵ درصد سهام دبلیو ام آر تی/ایران است، لذا هر یک مسئول ۲۵ درصد خساراتی است که شرح آنها در زیر آمده است:

- ۱ - کل مبلغ مورد ادعا: ۷،۵۲۴،۷۸۷/۷۵ ریال
- ۲ - جریمه تاخیر تادیه طبق تشخیص دیوان داوری
- ۳ - اصل حق بیمه های اجتماعی: -/۱،۲۱۹،۰۱۵ ریال
- ۴ - جریمه تاخیر تادیه حق بیمه: ۵۶۹،۰۲۵/۲۵ ریال
- ۵ - جریمه عدم ارسال لیست حق بیمه: ۳۶،۴۱۲/۲۵ ریال
- ۶ - مبالغ مندرج در نامه شماره ۴-۴۸۹۹۰ مورخ ۲۱/۱۰/۶۱ سازمان تامین اجتماعی بابت حق بیمه و خسارات: ۴۸۴،۱۲۵/۵۰ ریال
- ۷ - بدهی مالیاتی سال ۱۳۵۶: ۴۸۴،۱۲۵/۵۰ ریال
- ۸ - جریمه دیرکرد مالیات سال ۱۳۵۶: مبلغ ۲۲،۵۷۲ ریال
- ۹ - بدهی مالیاتی سال ۱۳۵۷: مبلغ ۱،۵۰۶،۵۷۵/۵۰ ریال
- ۱۰ - جریمه دیرکرد مالیات سال ۱۳۵۷: مبلغ ۶۵۷،۵۵۲ ریال

محیط زیست می گوید که ۲۵ درصد بدهیهای مندرج در نامه شماره ۲۲۸۸۲ مورخ ۱۳۶۱/۱۰/۲۸ اداره کل مالیات بر شرکتها مربوط به مالیات و جرائم متعلقه تا آخر دی ماه سال ۱۳۶۱ (۲۰ ژانویه ۱۹۸۳) بالغ بر ۲،۶۷۰،۸۲۵ ریال می باشد.

۴۱ - محیط زیست از دیوان تقاضای صدور "رای به نفع سازمان به مبلغ ۷،۵۲۴،۷۸۷/۷۵ ریال به عنوان اصل دعوی به اضافه بهره و خسارات متعلقه و همچنین مبلغ ۱،۸۲۴،۴۵۳ ریال مربوط به حق بیمه و بهره متعلقه، و نیز مبلغ ۲،۶۷۰،۸۲۵ ریال مربوط به مالیات و بهره متعلقه، به لحاظ این ادعا و هرگونه حکم دیگری که دادگاه مناسب تشخیص دهد، دارد". محیط زیست همچنین تقاضا می کند که دادگاه به نفعش رای به پرداخت مبالغی صادر کند که سازمان آن مبالغ را به سبب اعمال خلاف قانون و قصور و غفلت خواهان در انجام تعهدات خود در مورد این ادعا به عرض رسانیده است، از جمله: پرداخت هزینه های نمایندگی و معاضدتهای حقوقی - پرداخت حقوق کارمندان اضافی و حق الزحمه کارشناسان و مترجمین و هزینه های مربوط دیگر که به سازمان و دولت ایران تحمیل شده است".

۴۲ - محیط زیست تکرار می کند که خواهانها گزارشهای پیشرفت کار را به فارسی تهیه ننموده و نقشه های کلی محوطه را از مقیاس ۱:۲۰۰۰ به ۱:۵۰۰۰ بزرگ نکرده اند، و اظهار می دارد که عدم رفع نقایص توسط دبلیو ام آر تی/ایران سبب شکست کامل پروژه پردیسان گردید و کارهای انجام شده توسط دبلیو ام آر تی/ایران را "بی ارزش و بلااستفاده" نمود و "در حال حاضر نیز رفع نواقص مشروحه به هیچ عنوان ارزشی برای سازمان ندارد".

۴۳ - خواهانها اظهار می دارند که کل ارزش دو فقره اشکال جزئی تنها بخش کوچکی از کل کاری است که دبلیو ام آر تی/ایران در پروژه پردیسان انجام داده است. بنابراین،

نتیجه گیری بدون تحلیل و بی مدرک و سند محیط زیست، مبنی بر اینکه دبلیو ام آر تی/ایران به موجب بند (الف) ماده ۱۷ قرارداد، متخلف به شمار می رود و لذا محیط زیست در فسخ قرارداد محق بوده، اعتباری ندارد.

۴۴ - محیط زیست استدلال می کند که ادعاهای مالیاتی و بیمه های اجتماعی، ناشی از قرارداد است، "چرا که اگر برای قرارداد نبود مالیات و بیمه های اجتماعی مورد پیدا نمی کرد." بعلاوه، محیط زیست، متن مقررات قانونی مربوط به سیستم بیمه های اجتماعی ایران را تسلیم و توضیح و اضافه کرده است که این توضیح فقط از باب ذکر سوابق امر است و نباید بر انحراف از این استدلال خوانده دائر بر اینکه ادعای متقابل بابت حق بیمه های اجتماعی فی الواقع از تعهدات قراردادی بین طرفین و نقض قرارداد ناشی می شود، حمل گردد. علاوه براین، محیط زیست صورت مشروعی از بدهی ناشی از حقوق پرداختی به کارکنان از تاریخ ۱۲ نوامبر ۱۹۷۷ تا ۲۲ دسامبر ۱۹۷۹ (۲۱ آبان ماه ۱۳۵۶ تا اول دی ماه ۱۳۵۸)، و نیز شرح روش احتساب دیرکرد و جرایم، فی المثل، بابت تسلیم نکردن فهرست اسامی کارکنان مشمول بیمه های اجتماعی را ارائه نموده است.

۴۵ - خواهانها اظهار می دارند که محیط زیست دلیل و مدرکی در تایید ادعای خود مبنی بر بدهکاری مالیاتی و حق بیمه های اجتماعی خواهانها، ارائه نداده است. خواهانها استدلال می کنند که به هر صورت رویه دیوان مبرهن می سازد که ادعاهای متقابل بابت مالیات بردرآمد و حق بیمه های اجتماعی که مستقیماً از قرارداد ناشی نشده، بلکه ناشی از اعمال قوانین ایران است، یعنی مطلبی که در اینجا نیز صدق می کند، خارج از صلاحیت دیوان می باشد.

سوم - دلایل حکم

الف - قابل پذیرش بودن مدارک ثبت شده بعد از موعد مقرر

۴۶ - ایران به پذیرش مدارک مستند و لایحه توجیهی خواهان معترض است، زیرا متن فارسی آنها ده روز دیرتر از موعد به ثبت رسیده است. نظر دیوان داوری اینست که با تاخیر مزبور حق ایران تضییع نشده، چه مهلت ایران هم جهت ثبت مدارک مستند و لایحه توجیهی خود، به همان اندازه تمدید شد. علاوه براین، عمل دیوان در رد لوایح بعد از استماعی که در پرونده کامپیوتر ساینسز کوریوریشن و جمهوری اسلامی ایران، صفحات ۴ تا ۶ [متن انگلیسی] حکم شماره ۱-۶۵-۲۲۱ مورخ ۱۶ آوریل ۱۹۸۶ (۲۷ فروردین ماه ۱۳۶۵) با تاخیر به ثبت رسید، متناقض نیست. در پرونده یاد شده، دیوان طی دستوری که متعاقب جلسه استماع صادر کرد، درخواست خوانده جهت ثبت لوایح پس از استماع را پذیرفت. معذک، در دستور تاکید شد که قبول درخواست توسط دیوان فقط به علت "اوضاع و احوال استثنایی این پرونده" بوده است. بعلاوه، دیوان در آن دستور تصریح کرد که مهلت ثبت لوایح پس از استماع را به هیچ وجه تمدید نخواهد نمود. بطور خلاصه، دیوان ضمن مبادرت به اقدام غیرعادی قبول لوایح پس از استماع، متذکر شد که مهلت های مقرر برای ثبت باید اکیدا رعایت شود. از این رو، هنگامی که لوایح پس از استماع با تاخیر به ثبت رسید، دیوان با توجه به این که تاخیر هیچ گونه دلیلی نداشته و هیچ پیش آمد غیر منتظره‌ای رخ نداده بود، از قبول آن لوایح خودداری کرد. بدینسان، روشن است که استناد به [پرونده] کامپیوتر ساینسز در اینجا بی مورد است. دیوان لایحه خواهان ها را می پذیرد.

۴۷ - با اینکه خواهانها اصرار داشتند که مطالبی در تاریخ ۷ آوریل ۱۹۸۶ (۱۸ فروردین ماه ۱۳۶۵) در دفتر دیوان تودیع کرده‌اند، دلیل و مدرک نبوده و صرفاً حاوی

"سوابق امر" مربوط به پرونده هاست، [اما] دیوان بین آن دو، وجه تمایز خاصی نمی بیند. نظر به اینکه مطالب مزبور حجیم بوده و فقط اندکی پیش از برگزاری استماع پرونده به ثبت رسیده، دیوان آنها را مردود می شمارد.

۴۸ - با اینکه دیوان طرفین را به تسلیم مجلدات نشانه گذاری شده ضامیم اسنادشان ملزم نمی نماید، معهذا به آنان قویا" توصیه می کند که بدان ترتیب عمل کنند. از آنجا که لایحه بعدی، جز در مورد نشانه گذاری، مشابه لایحه قبلی بود، دیوان آنها را می پذیرد.

۴۹ - اعلام هزینه ها، به اقتضای ماهیت آنها تا آمادگی کامل طرفین برای استماع پرونده، عملی نیست. بنابراین، بطور کلی نمی توان انتظار داشت که مدارک مربوط به این مورد بخصوص مدتها قبل از تشکیل جلسه استماع تسلیم شود. از این رو، اطلاعیه خواهانها در مورد هزینه ها پذیرفته می شود.

۵۰ - سندی که خوانده در ۱۱ آوریل ۱۹۸۶ (۲۲ فروردین ماه ۱۳۶۵) ثبت و در جلسه استماع بدان اشاره کرد، مورد اعتراض خواهانها واقع نشده است. چون این سند حاوی ادله و مدارک ماهوی جدید نبود، لذا پذیرفته می شود.

۵۱ - در مورد نامه هایی که خوانده در جلسه استماع بدانها اشاره نمود، وی تا تشکیل جلسه استماع که طی آن می خواست به نامه های مزبور استناد نماید، توضیح کافی راجع به قصور خویش در عدم ارائه آنها نداد. به هر حال، دیوان براین نظر است که در لوایح طرفین و سایر ادله و مدارک موجود به قدر کافی نکاتی که خوانده می کوشد توجه دیوان را با ارائه این نامه ها بدانها جلب کند، مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به کلیه مراتب، نظر دیوان اینست که نامه های مزبور نباید پذیرفته شود.

ب - صلاحیت

۵۲ - ایران از دیوان می خواهد که تصمیم راجع به این پرونده ها را تا صدور رای دیوان عمومی در پرونده الف - ۲۲ به تعویق اندازد. همانطور که این شعبه اخیراً هنگام رد درخواست مشابهی خاطر نشان نموده "تعلیق تصمیمات مربوط به صلاحیت، با توجه به تکرار طرح چنین موضوعاتی، کار دیوان را به مدت نامحدودی متوقف خواهد ساخت." بلاونت برادرز کوریوریشن و جمهوری اسلامی ایران، ص ۸ [متن انگلیسی] حکم شماره ۱-۵۲-۲۱۵ مورخ ۶ مارس ۱۹۸۶ (۱۵ اسفند ماه ۱۳۶۴) (نقل قول از پرونده فیوتورا تردینگ اینکوریوریتد و سازمان آب و برق خوزستان، ص ۷ [متن انگلیسی] حکم شماره ۳-۳۲۵-۱۸۷ مورخ ۱۹ اوت ۱۹۸۵ (۲۸ مرداد ماه ۱۳۶۴) (مبنی بر رد درخواست تعویق تصمیم راجع به تابعیت شرکت تا صدور رای دیوان عمومی در پرونده الف - ۲۰)) رجوع شود به: آ.ر.ج. رینولدز و جمهوری اسلامی ایران ص ۲۱ [متن انگلیسی] حکم شماره ۳-۳۵-۱۴۵ مورخ ۶ اوت ۱۹۸۴ (۱۵ مرداد ماه ۱۳۶۳) (مبنی بر رد درخواست تعویق حکم پرداخت بهره تا صدور رای دیوان عمومی در پرونده الف - ۱۹). در اینجا نیز چون موضوعات صلاحیتی به قدر کافی روشن هستند، اتخاذ تصمیم در حال حاضر مجاز می باشد.

۵۳ - دیوان داوری بر مبنای ادله و مدارک تسلیمی قانع شده است که هر یک از خواهانها شهروند ایالات متحده می باشد. گواهی نامه های تابعیت اکتسابی خواهانها، مک هارگ و رابرتس، حاکی است که نامبردگان، به ترتیب در ۳۱ اوت ۱۹۶۰ (۹ شهریور ماه ۱۳۳۹) و ۲۷ دسامبر ۱۹۶۷ (۶ دی ماه ۱۳۴۶) تابعیت ایالات متحده را کسب کرده اند. دیوان بر اساس ادله و مدارک و توضیحاتی که در جلسه استماع داده شده، متقاعد گردیده که چنانچه نامبردگان دارای تابعیت مضاعف هم باشند که در این مورد دلیل و مدرکی در دست نیست، تابعیت غالب و موثر آنان، تابعیت امریکایی است.

رجوع شود به طور کلی به: پیرونده شماره الف - ۱۸، تصمیم شماره ۱۸ الف - ۳۲ دیوان عمومی (۶ آوریل ۱۹۸۴/۱۷ فروردین ماه ۱۳۶۳)، که در 5 Iran-U.S. C.T.R. 251 نیز چاپ شده است.

۵۴ - خواهانها اظهار می دارند که ادعاهای چهار نفر سهامدار، ادعاهای مستقیم اتباع ایالات متحده علیه دولت ایران بوده و به موجب بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی در حیطه صلاحیت دیوان قرار دارند. طریق دیگر استدلال آنان این است که ادعاها را می توان به عنوان ادعاهای غیرمستقیم دبلیو ام آر تی/ایران نیز مطرح نمود. نظر دیوان اینست که چون کلیه خواهانها تبعه ایالات متحده هستند، لذا دیوان نسبت به ادعاهای ناشی از مصادره ادعایی سهام آنان در دبلیو ام آر تی/ایران به عنوان ادعاهای مستقیم در مفهوم بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی صلاحیت دارد. بعلاوه، ادعاها در مفهوم بند ۲ ماده هفت بیانیه یاد شده ادعای غیرمستقیم اتباع ایالات متحده نیز محسوب می شوند. به موجب بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، ادعاهای غیرمستقیم در صورتی مشمول صلاحیت دیوان می شوند که:

" ... به طور غیرمستقیم، از طریق مالکیت سرمایه و یا سایر علایق مالی، در مورد اشخاص حقوقی، در مالکیت این اشخاص بوده‌اند، مشروط به اینکه منافع مالکیت چنین اتباعی، مجتمعا" در زمان اقامه ادعا برای کنترل شرکت یا شخص حقوقی دیگر در حد لازم بوده و علاوه بر آن مشروط بر اینکه شرکت و یا شخص حقوقی، خود در چارچوب این بیانیه حق اقامه دعوی نداشته باشد."

بند فوق الذکر برای طرح ادعای غیرمستقیم دو شرط قائل می شود: "منافع مالکیت" باید برای کنترل شرکت یا شخص حقوقی دیگر" در زمان بروز ادعا کافی بوده، و خود شخص حقوقی مورد بحث نباید حق اقامه دعوی داشته باشد." ص ۹ [متن انگلیسی حکم در پیرونده] بلاونت برادرز مذکور در بالا. در اینجا، روشن است که اتباع ایالات متحده، در هنگام به وجود آمدن ادعا صاحب منافع مالکیت کافی برای کنترل شرکت بودند. حتی به

فرض اینکه چونیجا که یک نفر هندی است، سهامی برابر سهام هر یک از خواهان ها داشت، باز چهار خواهان مذکور مجتمعا" ۸۰ درصد سهام دبلیو ام آر تی/ایران را در دست داشتند. این مساله که در اینجا کنترل ناشی از سهام انفرادی چهار نفر بوده، فاقد اهمیت است، زیرا آنچه در بند ۲ ماده هفت صریحا" پیش بینی شده، کنترل جمعی است. این نیز روشن است که خود دبلیو ام آر تی/ایران به عنوان یک شرکت ایرانی نمی توانست اقامه دعوی کند. بدینسان، شرایط بند ۲ ماده هفت تحقق یافته و دیوان نسبت به ادعای غیرمستقیم خواهانها از جانب دبلیو ام آر تی/ایران، صلاحیت دارد.

۵۵ - مواد ۲۳ و ۲۹ قرارداد ناظر بر حل اختلافات است. بخشی از ماده ۲۳ بدین شرح است:

"کلیه اختلافاتی که ممکن است بر اثر این قرارداد یا تعبیر و تفسیر مندرجات آن بین طرفین قرارداد رخ دهد و نتوان آنها را از طریق مذاکره و یا مکاتبه به طور دوستانه توافق و حل و فصل نمود، مقدماتا" در کمیته‌ای مرکب از سه نفر نمایندگان سازمان برنامه و کارفرما و مهندسی معمار محوطه ساز برای رفع اختلافات مطرح می گردد و در صورت عدم توافق و یا عدم تسلیم یکی از طرفین قرارداد به نظر اکثریت کمیته، اختلافات باید طبق قوانین ایران از طریق مراجعه به دادگاههای صالحه، حل و فصل گردد."

در ماده ۲۹ قرارداد چنین آمده است :

" این قرارداد از هر حیث تابع قوانین دولت شاهنشاهی ایران [است]...."

انشای این مواد اساسا" مشابه انشای مواد مورد اختلاف در پرونده گیسی اند هیل اینکورپوریتد و شرکت توانیر، قرار اعدادی شماره ۶-۱ دیوان عمومی (۵ نوامبر ۱۴/۱۹۸۲ آبان ماه ۱۳۶۱) می باشد. در آن پرونده دیوان عمومی نظر داد که چون شرط یاد شده صلاحیت را بدون ابهام به دادگاههای ایران محدود نکرده، لذا شرط استثنای بنده ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی در آن مورد صادق نیست. در اینجا نیز

نظر دیوان اینست که مواد ۲۳ و ۲۹ قرارداد صلاحیت را از دیوان سلب نمی‌کنند.

۵۶ - در اینکه کلیه ادعاها، به استثنای دعاوی مربوط به مانده حساب نزد بانک تجارت، ناشی از قرارداد در مفهوم بیانیه حل و فصل دعاوی است و در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) پابرجا بوده، بحثی نیست. در مورد آن بخش از ادعاها که مربوط به حساب بانکی است، نتیجه گیری دیوان اینست که خواهانها ثابت نکرده‌اند که پیش از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) مانده حساب مذکور را رسماً مطالبه کرده‌اند. لذا، این بخش از ادعاهایشان در ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) پابرجا نبوده و مشمول صلاحیت دیوان نمی‌شود.

۵۷ - در اینکه محیط زیست و بانک تجارت، طبق تعریف بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی واحدهای تحت کنترل دولت ایران هستند، بحث نیست.

ج - ماهیت دعوی

۵۸ - هر یک از خواهانها مدعی ۲۵ درصد مالکیت دبلو ام آر تی/ایران است. دیوان داوری ملاحظه می‌نماید که دبلو ام آر تی/ایران در ۱۷ نوامبر ۱۹۷۷ (۲۶ آبان ماه ۱۳۵۶) تاسیس یافته و بدواً پنج نفر سهامدار با سهام مساوی داشته‌است که عبارت بودند از چهار نفر خواهان و یک نفر هندی به نام نارندرا جونجا. خواهانها اظهار می‌دارند که جونجا در ۲۰ دسامبر ۱۹۷۹ (۲۹ آذر ماه ۱۳۵۸) استعفاء کرده و سهامش را واگذار نمود و بالنتیجه، هریک از خواهانها اکنون مالک ۲۵ درصد سهام دبلو ام آر تی/ایران است. خواهانها در تایید این ادعا به نامه‌ای که جونجا در ۲۰ دسامبر ۱۹۷۹ (۲۹ آذر ماه ۱۳۵۸) نوشته، استناد می‌کنند. در قسمتی از نامه مذکور چنین آمده‌است:

"بدینوسیله از سمت خویش به عنوان عضو هیات مدیره استعفا نموده

و سهم خویش از سرمایه شرکت را به طور قطع و برای همیشه به هیات مدیره واگذار می نمایم تا هر طور که مقتضی بداند آنرا واگذار، یا منتقل سازد.

با توجه به اینکه دلیو ام آر تی/ایران در ایران تاسیس شده و لذا انتقال سهام باید طبق قوانین ایران انجام گیرد، دیوان بر این نظر است که نامه جونجا برای اثبات اینکه نامبرده سهامش را قانوناً به شرکت یا به چهار سهامدار باقیمانده منتقل کرده، کافی نیست. از اینرو، نظر دیوان اینست که هر یک از خواهانها فقط بر مبنای ۲۰ درصد سهم اولیه خویش در دلیو ام آر تی/ایران می تواند ادعا نماید.

۵۹ - در درجه اول خواهانها، براساس نظریه سلب مالکیت از سهامشان غرامت می خواهند. اما شرایطی که نقض قرارداد را به سلب مالکیت از سهام در دلیو ام آر تی/ایران مبدل می نماید، مشخص نمی کنند. دیوان بر این نظر است که دلیل و مدرکی مبنی بر گرفتن سهام در دست نیست و لذا خواهانها مسئله سلب مالکیت را ثابت نکرده اند.

۶۰ - خواهانها مبالغ زیر را طبق قرارداد مطالبه می کنند:

شرح	مبلغ خالص قابل پرداخت	معادل دلاری
(یک) صورتحسابهای پرداخت نشده (قسط ماه هشتم)	۱۹,۰۲۴,۷۱۱ ریال	۲۶۸,۹۰۰/۵۰ دلار
(دو) حق الزحمه کارهای انجام شده (از ژوئیه ۱۹۷۸ تا ۵ نوامبر ۱۹۷۸)	۲۲,۲۹۱,۰۸۸ ریال	۳۱۵,۰۶۸/۳۸ دلار
(سه) هزینه های فسخ	۱,۹۹۱,۸۱۹ ریال	۲۸,۱۵۲/۹۲ دلار
(چهار) استرداد سپرده ها	۳,۰۰۹,۹۱۷ ریال	۴۳,۵۴۳/- دلار
	۴۶,۳۱۷,۵۳۵ ریال	۶۵۴,۶۶۴/۸۰ دلار

خواهانها براساس این ادعا که هریک به طور مساوی صاحب ۲۵ درصد [شرکت] دبلیوام آر تی/ایران می باشد، لذا هریک از آنها مبلغ ۱۶۳،۶۶۶/۲۰ دلار آمریکا مطالبه می نماید.

یک) صورتحسابهای پرداخت نشده

۶۱ - خواهانها مبلغ ۱۹،۰۲۴،۷۱۱ ریال یا ۲۶۸،۹۰۰/۵۰ دلار بابت قسط ماه هشتم مطالبه می کنند. آنان در تایید این ادعا، صورتحساب فسخ قرارداد را که در مارس ۱۹۷۹ تهیه کرده و در دسامبر ۱۹۷۹ به محیط زیست داده اند، تسلیم می نمایند. در این صورتحساب، صورتحسابهای قبلی، شرح کارهای انجام شده و نیز صورت ریز مبالغ لازم التادیه درج شده است. پیوست (الف) صورتحساب فسخ قرارداد، شامل سه فقره صورتحسابی است که قبلاً تسلیم شده که به ترتیب عبارتند از صورتحساب قسط ماه هشتم بابت کار انجام شده توسط دبلیوام آر تی/ایران، صورتحساب گزارش دوم جونز اند جونز مشاور فرعی، و صورتحساب گزارش دوم دکتر کریم جوانشیر مشاور فرعی دیگر. به غیر از ادعای وجود نواقص در ترجمه اسناد و بزرگ کردن نقشه های محوطه، خواننده عملاً نسبت به انجام این کار توسط دبلیوام آر تی/ایران و مشاوران فرعی آن ایرادی ندارد و ادله و مدارک نیز به قدر کافی انجام آنها را اثبات می کنند. خواهانها اظهار می نمایند که دبلیوام آر تی/ایران بدو "پس از مشورت با محیط زیست بزرگ کردن نقشه ها را به بعد موکول کرد، و بعداً" وقتی که محیط زیست از وی خواست که این کار را انجام دهد، شرایط فورس ماژور انجام آن را غیر ممکن ساخت. همینطور شرایط فورس ماژور مانع از تکمیل کار ترجمه شد. دیوان داوری قانع شده است که اگر شرایط موجود آن زمان مجال می داد، خواهانها این نواقص را رفع می کردند. بنابراین، نواقص مزبور نقض قرارداد محسوب نمی شوند تا خواننده را محق به استناد به بند الف

ماده ۱۷ قرارداد نمایند. به عکس، به نظر دیوان مناسب می بود که قرارداد به استناد بند ب ماده ۱۷ آن فسخ شود. لذا، دیوان نتیجه می گیرد که نقایص مزبور نقض قرارداد نیست و صورتحساب قسط ماه هشتم باید پرداخت شود. صورتحسابهای مشاوران فرعی که خوانده ظاهراً نسبت به کار آنان ایرادی ندارد، نیز قابل پرداخت است.

۶۲ - معمولاً نواقصی که خوانده ذکر کرده و دبلیو ام آر تی/ایران نسبت بدان اعتراض چندانی نکرده، موجب می شود که خوانده به میزان مبلغی معادل ارزش کار ناتمام بستانکار گردد. ولی ادله و مدارک ثابت می کند که به تقاضای محیط زیست خواهانها چند فقره خدمت اضافی در این موارد انجام داده و بابت آنها هرگز صورتحسابی تسلیم نکردند. ارزش این کار از ارزش کاری که دبلیو ام آر تی/ایران ناتمام گذارده، بیشتر است. بنابراین، با در نظر گرفتن خدمات اضافی، دیوان مبلغ کامل مورد مطالبه در صورتحسابهای پیوست الف صورتحساب فسخ را، پس از کسورات مالیاتی، در حکم منظور می کند.

۶۳ - دبلیو ام آر تی/ایران در صورتحساب ماه هشتم مبلغ خالص ۱۷،۷۶۹،۸۱۸ ریال یعنی مبلغ ناخالص ۱۸،۸۰۴،۰۴۰ ریال منهای ۵/۵ درصد مالیات به مبلغ ۱،۰۳۴،۲۲۲ ریال مطالبه می کند. با تسعیر آن مبلغ به دلار به نرخ هر دلار برابر ۷۵/۷۰ ریال که نرخ مورد قبول کلیه طرفین در این پرونده هاست، مبلغ ۲۵۱،۱۶۳/۵۰ دلار به دست می آید. اما طبق رویه معمول طرفین، در صورتحسابهای مربوط به حق الزحمه خدمات جونز اند جونز و کریم جوانشیر، مشاوران فرعی، مبالغ دلاری قابل پرداخت پس از کسر مالیاتهای متعلقه ذکر شده است. بنابراین، تمام مبالغ دلاری مندرج در صورتحسابها بابت خدمات جونز اند جونز و کریم جوانشیر به ترتیب ۱۳،۹۶۶/۵۷ دلار و ۳،۶۰۰ دلار، قابل پرداخت هستند. دیوان برای هر یک از خواهانها ۲۰ درصد کل این سه فقره مبلغ را که به ۵۳،۷۴۶/۰۱ دلار بالغ می شود، در حکم منظور می کند.

دو) حق الزحمه کارهای انجام شده

۶۴ - خواهانها بابت کار انجام شده از ژوئیه ۱۹۷۸ تا ۵ نوامبر ۱۹۷۸ نیز مبلغ ۲۲،۲۹۱،۰۸۸ ریال یا ۳۱۵،۰۶۸/۳۸ دلار، به شرح مندرج در پیوست ب صورتحساب فسخ، مطالبه می نمایند. طبق بند ۱ (ب) ماده ۱۷ قرارداد، هرگاه قرارداد به دلایلی غیر از قصور مهندس محوطه ساز فسخ شود، دبلیو ام آر تی/ایران حق دارد حق الزحمه خدماتی که پیش از فسخ انجام داده، دریافت کند. ادله و مدارک این اظهار خواننده را که محیط زیست به دلیل قصور مهندس محوطه ساز قرارداد را به استناد بند الف ماده ۱۷ فسخ کرده، تایید نمی کند. همانطور که ملاحظه شد، خواهانها توضیح کافی در مورد نواقص ادعایی داده اند. گرچه شرایط موجود ایجاب می کرد که اجرای قرارداد مدتی به حالت تعلیق در آید، اما خواننده ثابت نکرده است که از سرگرفتن اجرای قرارداد امکان پذیر نبوده است. لذا محیط زیست قرارداد را به دلائل خاص خود فسخ کرد که مشمول بند ب ماده ۱۷ می شود. خواننده، فی الواقع در مورد اجرای کار به شرح مندرج در پیوست ب ایرادی ندارد و دیوان نتیجه می گیرد که مبالغی که دبلیو ام آر تی/ایران و جونز اند جونز بابت کار انجام شده مطالبه می کنند، قابل پرداخت است.

۶۵ - مانند مبالغ مورد مطالبه بابت صورتحساب ماه هشتم، حق الزحمه کار انجام شده پیش از تعلیق اجرای قرارداد نیز مشمول کسر ۵/۵ درصد مالیات، یعنی مبلغ ۱،۲۲۱،۲۱۳ ریال از مبلغ ناخالص ۲۲،۲۰۳،۸۷۹ ریال صورتحساب است که بدین ترتیب رقم قابل پرداخت ۲۰،۹۸۲،۶۶۶ ریال می شود. با تسعیر این رقم به دلار به نرخ هر دلار برابر ۷۰/۷۵ ریال، مبلغ ۲۹۶،۵۷۴/۷۸ دلار به دست می آید. در صورتحساب جونز اند جونز مبلغ خالص دلاری قابل پرداخت پس از کسر مالیاتهای متعلقه ۱۸،۲۶۱/۳۳ ذکر گردیده، که تماما قابل پرداخت می باشد. دیوان ۲۰ درصد مجموع این مبالغ را یعنی ۶۲،۹۶۷/۲۲ دلار به نفع هر یک از خواهانها در حکم منظور

می‌کند.

سه (هزینه های فسخ

۶۶ - خواهانها تحت این عنوان مبالغ زیر را مطالبه می کنند:

الف) فسخ قرارداد دستیار فنی	۲۶۲،۵۰۰ ریال
ب) هزینه های مراجعت کارکنان خارجی	۲۵۷،۱۶۰ ریال
ج) هزینه برچیدن واحد نظارت محلی	۱،۴۷۲،۱۵۹ اریال

جمع ۸۱۹،۹۹۱،۸۱۹ اریال

یا ۲۸،۱۵۲/۹۲ دلار آمریکا

طبق بند (۲) ب ماده ۱۷، مهندس محوطه ساز حق دارد مبالغ زیر را دریافت نماید:

" کلیه هزینه های ناشی از موافقتها یا تعهدات... در رابطه با کارکنان یا سایر موسسات (مهندس محوطه ساز)، همچنین هزینه های مربوط به بازگشت کارکنان خارجی و خانواده ایشان به موطن خویش و کرایه حمل اثاثه آنان به کشورشان در هنگام فسخ قرارداد و نیز هزینه برچیدن واحد محلی نظارت، مشروط بر آنکه این قبیل هزینه ها برای اجرای قرارداد بوده و به تصویب کارفرما رسیده باشد."

دیوان می پذیرد که اینگونه عبارات غالباً چنین تفسیر می شود که نمی توان به طور نامعقولی از اعلام رضایت خودداری نمود. معذک، در مواردی، مانند مورد حاضر، که تعهد پرداخت منوط به چنین تصویب و مربوط به پرداختی است که طبق قرارداد بدون تصویب قابل پرداخت نیست، دیوان نتیجه می گیرد که در رابطه با این قرارداد و اوضاع و احوال پرونده های حاضر، خوانده اجباری به تصویب هزینه های یاد شده نداشته است.

علاوه براین، در مورد حاضر نه دلیل و مدرکی حاکی از اینکه خواهانها از کارفرما تقاضای تصویب هزینه ها را کرده باشند در دست است و نه مدرک و یا توضیحی در مورد دلیل عدم تقاضای تصویب. از این نظر خواهانها الزامات بند ۲ (ب) ماده ۱۷ قرارداد را رعایت نکرده‌اند. بنابراین، بدون پرداختن به این مطلب که در غیراینصورت چه مقدار از این هزینه ها مشمول این شرط می‌گردید، ادعای هزینه‌های فسخ مردود شناخته می‌شود.

چهار) استرداد سپرده ها

۶۷ - خواهانها می خواهند مبلغ ۳،۰۰۹،۹۱۷ ریال یا ۴۳،۵۴۳ دلار که طبق شرایط قرارداد، بابت سپرده های حسن انجام کار از صورتحسابهای قبلی کسر شده، مسترد گردد. با توجه به نظر دیوان مبنی بر اینکه خواهانها تعهدات قراردادی خود را تا فسخ قرارداد توسط محیط زیست، کاملاً انجام داده‌اند لذا حق دارند کل مبالغ مکسوره را که ۳،۰۰۹،۹۱۷ ریال، است دریافت دارند. از آنجا که محاسبه مبالغ مکسوره بر مبنای درصدی از مبلغ اصلی صورتحساب بوده که دبلو ام آر تی/ایران کلیه مالیاتهای متعلقه را پرداخته، لذا چیز دیگری نباید از آن کسر شود. بنابراین، دیوان ۲۰ درصد آن مبلغ را که ۶۰۱،۹۸۳ ریال است، به نفع هر خواهان در حکم منظور می‌کند. با تسعیر این مبلغ به دلار به نرخ هر دلار برابر ۷۰/۷۵ ریال سهم هر خواهان ۸،۵۰۸/۶۰ دلار می‌شود.

د - ابراهیم از دادرسیهای تهران

۶۸ - خواهانها در جلسه استماع درخواست کردند که دیوان اعلامیه‌ای نظیر قرار موقت شماره ۳۸۸-۱۳ دیوان عمومی (۴ فوریه ۱۵/۱۹۸۳ بهمن ماه ۱۳۶۱)، در پرونده ای سیستمز اینکوریوریتد و جمهوری اسلامی ایران، صادر نماید. دیوان داوری تایید

می‌نماید که ادعا و ادعاهای متقابلی که دیوان در پرونده های حاضر آنها را مشمول صلاحیت خویش دانسته، طبق بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی از تاریخ ثبت در دیوان، از صلاحیت هر دادگاه یا دیوان دیگری خارج می‌باشد.

ه - ادعاهای متقابل

۶۹ - خوانده ادعای متقابلی مطرح ساخته است. ادعای متقابل مبتنی بر سه فرض است:

یک) قصور دبلیو ام آر تی/ایران در تهیه گزارشها به فارسی،

دو) قصور دبلیو ام آر تی/ایران در بزرگ کردن نقشه های کلی محوطه از مقیاس ۱:۲۰۰۰ به مقیاس ۱:۵۰۰،

سه) تعهد دبلیو ام آر تی/ایران به پرداخت مالیات و حق بیمه اجتماعی.

۷۰ - ادله و مدارک نشان نمی دهد که نواقصی که خوانده در مورد ترجمه اسناد و بزرگ کردن نقشه های محوطه ذکر کرده مانع تکمیل پروژه پردیسان گردیده و یا به ارزش سایر کارهایی که دبلیو ام آر تی/ایران انجام داده، لطمه زده باشد. نظر به اینکه ارزش کارهای ناتمام قبلاً منظور گردیده، دیوان به دلایل مندرج در بند ۶۳ بالا، حکمی در مورد ادعای متقابل بابت نواقص ادعایی صادر نمی کند.

۷۱ - برای اینکه ادعای متقابلی در حیطة صلاحیت دیوان قرار گیرد، باید "از همان قرارداد، معامله یا رویدادی که موضوع ادعاست، ناشی شده باشد." بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی. برای اعمال این شرط "باید... بین روابط حقوقی ناشی از

شمول قانون بر وضعیتی که هر یک از طرفین منفرداً در آن قرار می‌گیرد و روابط قراردادی حاکم بر طرفهای قرارداد فیما بین، تمیز قابل شد. تی.سی.اس.بی. اینکوریوریتد و جمهوری اسلامی ایران، ص ۲۴ [متن انگلیسی] حکم شماره ۱۴۰-۲-۱۱۴ مورخ ۱۶ مارس ۱۹۸۴ (۲۶ اسفند ماه ۱۳۶۲). به ویژه، ادعای متقابل بابت مالیاتها و حق بیمه اجتماعی که حسب ادعا پرداخت نشده، باید بر تعهدی که در خود قرارداد ذکر شده، و یا در رویه معمول طرفین که در اثر قرارداد بوجود آمده، استوار باشد. رجوع شود به همان ماخذ، سیلوانیا تکنیکال سیستمز اینک و جمهوری اسلامی ایران، صفحات ۴۰-۴۱ [متن انگلیسی] حکم شماره ۱-۶۴-۱۸۰ مورخ ۲۷ ژوئن ۱۹۸۵ (۶ تیر ماه ۱۳۶۴)، همانطور که در بالا مشروحا" گفته شد، دیوان مبالغ صورت حساب ماه هشتم و صورتحساب مشاوران فرعی را که مالیاتهای متعلقه از آن صورتحسابها کسر شده، در حکم منظور کرده است. لیکن، سایر ادعاهای متقابل خواننده بابت مالیات و حق بیمه اجتماعی، از خود قرارداد ناشی نشده، و لذا مشمول صلاحیت دیوان نیست.

۷۲ - با آنکه خواننده صریحا" این مساله را مطرح نساخته، با اینحال دیوان باید پاره‌ای ادله و مدارک موجود در پرونده را نیز که حاکی از وجود رویه قراردادی برای کسر سهم حق بیمه اجتماعی فیما بین طرفین می‌باشد، مورد توجه قرار دهد. لیکن دیوان ملاحظه می‌نماید که سوابق به طور کلی دال بر آنست که چنین رویه‌ای وجود نداشته است. مقدماتاً متذکر می‌شود که قرارداد به تنهایی برای اثبات تعهد قراردادی جهت کسر چنین مبالغی کافی نیست. طبق ماده ۱-۱۴ قرارداد "پرداخت هرگونه مالیات و حقوق گمرکی و عوارض و مالیات بردرآمد و بیمه‌های اجتماعی و سایر حقوق دولتی مربوط به [دبلیو آر تی/ایران] و کارکنان نامبرده"، برعهده دبلیو ام آر تی/ایران است و طبق ماده ۳-۱۴، محیط زیست مجاز است که این مبالغ را کسر نماید. از آنجا که شروط مزبور نه نوع مالیاتهای متعلقه و نه مقداری را که باید بابت آنها کسر شود مشخص نمی‌کنند، لذا شروط مزبور برای احراز صلاحیت دیوان کفایت نمی‌کنند. رجوع شود، فی المثل به:

اینترنتشال تکنیکال یرادکتس کوریوریشن و جمهوری اسلامی ایران صفحات ۲۹ - ۲۸ [متن انگلیسی] حکم شماره ۳-۳۰۲-۱۹۶ مورخ ۲۸ اکتبر ۱۹۸۵ (۶ آبان ماه ۱۹۶۴)، هوارد نیدلز تامن اند برگندوف و جمهوری اسلامی ایران و سایرین بند ۶۲ [متن انگلیسی] حکم شماره ۲-۶۸-۲۴۴ مورخ ۸ اوت ۱۹۸۶ (۱۷ مرداد ماه ۱۳۶۵). بنابراین، دیوان باید تعیین نماید که آیا "رویه قراردادی جا افتاده‌ای بین طرفین"، وجود داشته است یا خیر. بلاوت برادرز کوریوریشن و جمهوری اسلامی ایران، ص ۳۰ حکم شماره ۱-۵۲-۲۱۵ مورخ ۶ مارس ۱۹۸۶ (۱۵ اسفند ماه ۱۳۶۴). در مورد حاضر چنین رویه‌ای وجود ندارد. جدول منضم به نامه مورخ ۲۳ اوت ۱۹۷۸ (اول شهریور ماه ۱۳۵۷) خواهان مک هارگ از جانب دبلیو ام آر تی/ایران به صداقت فر، مدیر پروژه، حاکی است که هنگام پرداخت اولین صورت وضعیت، ۵ درصد بابت حق بیمه اجتماعی از آن کسر شده است. ولی مک هارگ در نامه متذکر می‌شود که "این مبلغ اشتباهات" کسر شده" و آن را اضافی و قابل استرداد تلقی می‌نماید. به عبارت دیگر، ادله و مدارک یک مورد منفرد از کسر حق بیمه اجتماعی را نشان می‌دهد که دبلیو ام آر تی/ایران بدان اعتراض کرده است. از طرف دیگر، صورتحساب فسخ که خواهانها هم در هنگام ایجاد ادعا و هم در طول رسیدگیها آنرا مبنای ادعای خویش قرار داده‌اند، با اینکه حاکی از کسر ۵/۵ درصد مالیات است، نشان نمی‌دهد که چیزی بابت بیمه‌های اجتماعی کسر شده باشد. خلاصه مبالغ پرداختی طبق قرارداد اصلی که منضم به صورتحساب فسخ بود حاکی از آنست که مبلغی که طبق جدول پیوست نامه قبلی مک هارگ بابت بیمه‌های اجتماعی کسر شده، جزو مبالغی بوده که پس از تسلیم نخستین صورت وضعیت بطور خالص دریافت شده است. بدینسان، دبلیو ام آر تی/ایران، هنگام تسلیم صورتحساب فسخ متذکر شد که مبالغ دریافتی وی شامل حق بیمه‌های اجتماعی نبوده، و نامبرده در اینجا تقاضای استرداد مبالغ کسر شده را که در نامه مک هارگ بدان اعتراض شده، ننموده است. دیوان نتیجه می‌گیرد که ادله و مدارک قانع کننده دال بر آنست که رویه معمول یا اجازه و اختیار قراردادی جهت کسر حق بیمه اجتماعی وجود نداشته است.

و - بهره

۷۳ - چون "اوضاع و احوال خاصی" وجود ندارد، لذا این شعبه نرخ مقرر در قرارداد را بکار می برد. ص ۳۱ [متن انگلیسی] پرونده سیلوانیا بالا. طبق قرارداد حاضر بابت مبالغی که تا ۳۰ روز پس از موعد پرداخت نشده باشد، ۶ درصد بهره تعلق می گیرد. لذا، دیوان نرخ مذکور را در مورد مبالغ حکم اعمال می نماید. در صورتحساب فسخ بابت مبالغ صورتحساب های ماه هشتم از تاریخ اول نوامبر ۱۹۷۸ (۱۰ آبان ماه ۱۳۵۷) بهره مطالبه شده است. لیکن، دیوان نظر داده است که در مورد پاره‌ای از کارها که دبلیو ام آر تی/ایران تکمیل نکرده، ایرادات مشروعی وجود داشته است. در اوضاع و احوال پرونده‌های حاضر منطقی است بابت آن تعداد از صورتحسابهای ماه هشتم که مورد حکم است از تاریخی بهره پرداخت شود که به نظر دیوان، اگر شرایط موجود در ایران اجازه می‌داد، دبلیو ام آر تی/ایران می‌توانست کارها را تکمیل کند و یا طرفین می‌توانستند کلیه اختلافاتشان را حل و فصل نمایند. بنابراین، دیوان پرداخت بهره بابت صورتحساب ماه هشتم را از اول سپتامبر ۱۹۷۹ (۱۰ شهریور ماه ۱۳۵۸) در حکم منظور می‌کند. از آنجا که دبلیو ام آر تی/ایران صورتحساب فسخ را که شامل مبالغ محکوم به بابت کار انجام شده قبل از تعلیق و نیز استرداد مبالغ سپرده است، در دسامبر ۱۹۷۹ به محیط زیست تسلیم نموده، لذا به صورتحساب مزبور از اول ژانویه ۱۹۸۰ (۱۱ دی ماه ۱۳۵۸) بهره تعلق می‌گیرد.

ز - هزینه‌ها

۷۴ - "اطلاعیه هزینه‌های خواهانها حاوی درخواست هزینه‌های حقوقی است که خواهانها به وکلای خصوصی پرداخته‌اند. همانطور که دیوان قبلاً" در پرونده هیات امنای دانشگاه کلمبیا و ایران، حکم شماره ۱-۱۰۵۱۷-۲۲۲ (۱۵ آوریل ۱۹۸۶/۲۶

فروردین ماه ۱۳۶۵) نظر داده است، اصولاً ایرادی به صدور حکم برای پرداخت هزینه ها در ادعاهای کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار نیست. این قاعده در مواردی که خواهان برای کمک به طرح ادعایش با وکیل خصوصی مشورت و یا از خدمات وی استفاده می کند، نیز جاری است. لیکن، فقط هزینه های متحمل بابت طرح ادعا در این دیوان قابل جبران است. فقط پاره‌ای از هزینه‌های مورد ادعای خواهانها حائز این شرط است. مضافاً اینکه، هزینه‌های مورد ادعا شامل اقلامی است که مربوط به خسارت است و نه هزینه. این مطالب به هیچوجه قابل ادعا نیست، چه در بند (ب) ۲ ماده ۱۷ قرارداد صریحاً قید شده که:

" مهندس محوطه ساز حق دریافت هیچ مبلغ دیگری به عنوان خسارات نخواهد داشت."

علاوه بر این، ایالات متحده ۱/۵ درصد مبالغ محکوم به را بابت هزینه ها مطالبه می نماید. این رقم بالغ بر ۷،۶۵۹/۳۵ دلار امریکا بابت هر ادعا می شود. با توجه به لوایح و اسناد و مدارک حجیمی که در تایید این ادعاها تهیه شده، نظر دیوان اینست که حکم به پرداخت ۵،۰۰۰ دلار بابت هزینه های متحمل جهت تنظیم واقامه این دعاوی منطقی است و لذا، مبلغ ۱،۲۵۰ دلار امریکا بابت هزینه های متحمل برای هر خواهان در حکم منظور می کند.

چهارم - حکم

۷۵ - به دلایل پیش گفته،

دیوان به شرح زیر حکم صادر می کند:

۱ - (الف) در پرونده شماره ۱۰۸۵۳، خواننده جمهوری اسلامی ایران متعهد است که مبلغ یکصد و بیست و پنج هزار و دویست و بیست و یک دلار و هشتاد و سه سنت آمریکا (۱۲۵،۲۲۱/۸۳ دلار) به اضافه بهره ساده به نرخ ۶ درصد در سال (برمبنای ۳۶۵ روز) نسبت به مبلغ پنجاه و سه هزار و هفت صد و چهل و شش دلار و یک سنت آمریکا (۵۳،۷۴۶/۰۱ دلار) از تاریخ اول سپتامبر ۱۹۷۹ (۱۰ شهریور ماه ۱۳۵۸) و نسبت به مبلغ هفتاد و یک هزار و چهارصد و هفتاد و پنج دلار و هشتاد و دو سنت آمریکا (۷۱،۴۷۵/۸۲) از تاریخ اول ژانویه ۱۹۸۰ (۱۱ دی ماه ۱۳۵۸) لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از حساب تضمینی را به بانک امین صادر نماید، به خواهان یان ال. مک هارگ، بپردازد.

(ب) خواننده جمهوری اسلامی ایران باید مبلغ یکهزار و دویست و پنجاه دلار آمریکا (۱۲۵۰ دلار) بابت هزینه های داوری به خواهان مک هارگ پرداخت نماید.

۲ - در پرونده شماره ۱۰۸۵۴، خواننده جمهوری اسلامی ایران باید مبالغی برابر آنچه در پاراگراف های ۱ (الف) و (ب) بالا حکم داده شده، به خواهان ویلیام اچ. رابرتس پرداخت نماید.

۳ - در پرونده شماره ۱۰۸۵۵، خواننده جمهوری اسلامی ایران باید مبالغی برابر آنچه در پاراگراف های ۱ (الف) و (ب) بالا حکم داده شده، به خواهان دیوید اچ. والاس پرداخت نماید.

۴ - در پرونده شماره ۱۰۸۵۶، خوانده جمهوری اسلامی ایران باید مبالغی برابر آنچه در پاراگراف‌های ۱ (الف) و (ب) بالا حکم داده شده، به خواهان تاسی ا. تاد پرداخت نماید.

۵ - مابقی ادعاها و ادعاهای متقابل مردود شناخته می شوند.

۶ - تعهدات یاد شده از محل حساب تضمینی مفتوح طبق بند ۷ بیانیه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر، ایفاء خواهند شد.

بدینوسیله حکم حاضر جهت ابلاغ به کارگزار امانی به ریاست دیوان تسلیم می شود.

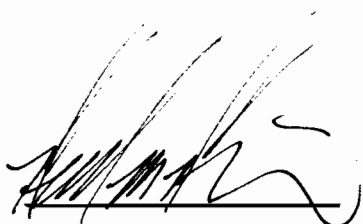
لاسه، به تاریخ ۱۷ دی ۱۹۸۶ برابر با ۲۶ آذر ماه ۱۳۶۵



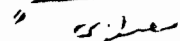
کارل - هاینس بوکشتیگل

رئیس شعبه یک

به نام خدا



هوارد ام. هولتزمن



محسن مصطفوی

الحاق به بخشی از حکم،
موافق با بخشی از آن و
مخالف با بخشی دیگر رجوع
شود به نظر جداگانه.

موافق با بخشی از حکم و
مخالف با بخشی دیگر
رجوع شود به نظر
جداگانه.

آن/ح.ج